

آموزش تحلیل سیاسی / پیاده روی اربعین، نماد مهم شناخت جامعه ایران

اگر مهم‌ترین بخش یک جامعه، "فرهنگ" آن باشد، دو جزء مهم فرهنگ نیز "ارزش‌ها" و "نمادها" است. ارزش‌ها بیانگر روح کلی حاکم بر یک جامعه‌اند و نمادها نیز علامت‌ها و نشانه‌هایی است از مسیری که یک جامعه در آن حرکت می‌کند. از روی نمادها می‌توان پی به حقیقت یک جامعه برد. برای همین هم، نمادها همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و روانشناسان بوده است. مثلا روز ۱۳ آبان، یک نماد مهم برای شناخت جامعه‌ی ایرانی است. نمادی که برخاسته از روحیه‌ی استکبارستیزانه‌ی مردم ایران دارد. برای همین هم، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری که دولت‌های آمریکایی داشته‌اند (از دولت کلیتون تا بوش، و از اوباما تا ترامپ)، مردم ایران همیشه نسبت به دولتمردان آن، احساس تنفر داشته‌اند...

حمایت از کالای ایرانی
تابلساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۹۴ / دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۷

ورود به دوره جدید رویارویی هسته‌ای قدرت‌ها

جوان: یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های زمامداری ترامپ، رویکرد منفی وی در قبال توافقات و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در برهه کنونی پیمان‌های کاهش تسلیحات هسته‌ای به یکی از نقاط اصلی تنش بین روسیه و آمریکا تبدیل شده و دولت ترامپ اکنون پیمان‌های کاهش و امحای تسلیحات هسته‌ای را هدف گرفته است. ترامپ برای رفع اتهامات از خود در زمینه حمایت غیرمستقیم روسیه از وی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا و نیز تحقق اهداف کلان دولتش در زمینه تقویت توانمندی‌های هسته‌ای آمریکا و تضعیف زرادخانه هسته‌ای روسیه، سیاست اتهام‌زنی به روسیه درباره نقض پیمان نیروهای هسته‌ای میانبرد (آی‌ان‌اف) و نیز پیمان کاهش تسلیحات هسته‌ای استراتژیک موسوم به «استارت ۳» را دنبال کرده است. آمریکا و شوروی در ژوئن ۱۹۸۷ در واشنگتن این پیمان را امضا کردند و آن را از سال ۱۹۸۸ به اجرا درآوردند. پیمانی که دو طرف را از استقرار موشک‌های بالستیک و کروز در اروپا منع می‌کند. براساس این پیمان، موشک‌های میان‌برد از هزار تا ۵ هزار و ۵۰۰ کیلومتر و کوتاه‌برد دارای برد ۵۰۰ تا هزار کیلومتر باید ناپدید شوند. خروج آمریکا از پیمان نیروهای هسته‌ای میانبرد به منزله آغاز دورانی جدید در زمینه رویارویی هسته‌ای بین آمریکا و رقبای هسته‌ای آن یعنی روسیه و چین خواهد بود. لیسبت گرونلوند، دانشمند هسته‌ای معتقد است: «ترامپ در حال در پیش گرفتن مسیری بی‌پروا و بی‌ملاحظه است؛ مسیری که امنیت آمریکا را چه اکنون و چه در بلندمدت کاهش خواهد داد». بدین ترتیب این کشورها دیگر هیچ محدودیتی برای توسعه تسلیحات هسته‌ای کوتاه‌برد و میان‌برد نخواهند داشت، به ویژه آمریکا با برداشته شدن محدودیت‌های کنونی و نیز با توجه به دکتین هسته‌ای جدید خود، به احتمال زیاد در دو نقطه استراتژیک یعنی در اروپای مرکزی و شرقی و نیز در آسیای شرقی به استقرار موشک‌ها و تسلیحات هسته‌ای جدید پرداخت. چنین اقدامی واکنش مقابل روسیه و چین را به دنبال داشته و به منزله ورود قدرت‌های بزرگ هسته‌ای به مرحله‌ای جدید از رقابت بر سر تسلیحات هسته‌ای خواهد بود. بدین ترتیب جهان آینده در سایه رقابت قدرت‌های بزرگ هسته‌ای، جهانی ناامن‌تر و از لحاظ امنیتی شکننده‌تر خواهد بود، جهانی که تهدیدات هسته‌ای در آن افزایش خواهد یافت.

تبعات بازگشت « شاه زل »

خراسان: زلمای خلیل زاد با بازگشت به افغانستان موج جدیدی از سیاست های آمریکا را دنبال می کند. چهره خلیل زاد به عنوان یک جمهوری خواه همیشه مورد توجه این حزب بوده است و یاران بوش او را به عنوان متولی اصلی حمله آمریکا به افغانستان و هدایت آن تلقی می کنند. اطرافیان او را یک پای تمام پرونده های افغانستان در آمریکا پس از ۱۹۷۹ می دانند و معتقد هستند، زلمای خلیل زاد مورد توجه تمام مسئولان آمریکایی در طول تاریخ افغانستان بوده و هر جا اسمی از کابل به میان می آید، شاه زل یکی از طرف های مشورت است. نقش او در شکل گیری القاعده، طالبان، مجاهدان علیه شوروی، جنگ علیه شوروی، انتقال عناصر القاعده به عراق در نشست کردستان قبل از سقوط صدام، دولت سازی پس از اشغال در افغانستان، به روی کار آوردن کرزای و حالا پرونده آینده افغانستان، کاملاً محسوس است. حرکت افغانستان به تشکیل پارلمان در سال ۲۰۱۸ و تشکیل دولت در سال ۲۰۱۹، حرکتی مهم و حساس برای تمامی بازیگران خارجی این کشور است. ترامپ در مناظرات انتخاباتی خود بارها از بی فایده بودن حضور در افغانستان می گفت و کلیتون را متهم به هزینه های بی فایده می کرد؛ اما در کمتر از یک سال از روی کار آمدنش، دستور بازگشت نیروهای نظامی و افزایش نظامیان آمریکایی را صادر کرد و از زلمای خلیل زاد خواست تا سفارت این کشور را در افغانستان برعهده بگیرد. هدف آمریکا از جنگ افغانستان صرفاً براندازی حکومت طالبان یا برخورد با سرکرده گروه القاعده نبود. حضور آمریکا در افغانستان یک برگ برنده برای این کشور در منطقه ویژه ژئوپلیتیک غرب آسیا و آسیای مرکزی است. از یک سو افغانستان باتلاق همیشگی روس هاست و از سوی دیگر ایغورها بازیگران خوبی هستند تا با کنترل آن، پکن مجبور به پذیرش تعهدات سنگینی شود. از سویی مرز گسترده زمینی با ایران، فرصت مناسبی است که تهدیدات آمریکا علیه کشورمان سریع تر انجام شود. پایگاه های آمریکایی در افغانستان نیز نشان می دهد، تنوع و گستردگی آن بیش از آن که تدافعی و برای تامین امنیت افغانستان باشد، برای یک تهاجم به دیگر کشورها طراحی شده است. حال ترامپ دریافته برای فشار به ایران نیاز است از خاک و مرز افغانستان استفاده کند. پرونده انتقال داعش به افغانستان برای بازیگری علیه ایران دیگر هدف آمریکا در کوتاه مدت است که با آمدن زلمای خلیل زاد تکمیل شد.

افشاگری معاون اول

صبح نو: آقای اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهوری در مراسم روز ملی صادرات در اظهاراتی بی سابقه درباره حدود اختیارات خود در دولت دوازدهم گفت: من دستم قلم و کاغذی نیست که کسی را برکنار کنم و این در حالی است که من تا این لحظه اجازه برکناری منشی خودم را هم نداشته ام، پس از من انتظار نداشته باشید که وکیل و وزیر را تغییر دهم و همچنین در دولت یازدهم تمرکز اصلی رییس جمهوری بر برجام معطوف بود و معاون اول نقش بیشتری در اقتصاد کشور ایفا می کرد اما در این دوره رییس جمهوری وقت بیشتری برای مسائل اقتصادی می گذارند و دکتر نهاوندیان، معاون اقتصادی رییس جمهوری دغدغه های بخش خصوصی و فعالان اقتصادی را بیان می کند

دولت از جمهوری اسلامی جا نماند

کیهان: برخی مدیران متاسفانه در چند سال اخیر، همپای مقاومت جانانه و پیروزی و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی حرکت نکرده‌اند. دولت در حالی که باید برای پیروزی‌های دیپلماتیک در منطقه خیز بردارد، درگیر ستاد نابسامان خود است. دولت تراز جمهوری اسلامی نمی‌تواند با برجام تمام شود یا دستخوش تسویه حساب دو حزب ائتلافی در درون خود گردد. ۱- آنچه از جبهه دشمن می‌بینیم، سرشار بشارت است. حاکم شدن سفیہانی مانند بن سلمان در ریاض و بروز تدریجی عواقب سکانداری آنها، بشارتی بزرگ دارد؛ اینکه ستون سیاست‌های آمریکا در منطقه، در معرض انتحار و انهدام درونی است. مکمل این بشارت، ترامپ است. قبلا وقتی مقامات آمریکا و عربستان، یکدیگر را برای تصمیمات راهبردی ملاقات می‌کردند. اما حالا کار آن قدر مبتذل شده که پمپئو برای خلاصی سعودیها از شر افتضاح قتل خاشقجی به ریاض می‌رود. وزارت خارجه و استخبارات سعودی ادعا می‌کردند در معادلات مهم منطقه از افغانستان و عراق تا سوریه و لبنان و یمن و قطر تعیین‌کننده‌اند. حالا اما از کثرت شکست و سردرگمی، گرفتار پرونده‌هایی مثل خاشقجی شده‌اند. تا چند سال قبل، عربستان و ترکیه هم آهنگ با نقشه صهیونیسم مسیحی می‌خواستند عراق و سوریه را از جبهه مقاومت جدا کنند. اما وقتی داعش به عنوان پیمانکار نقشه تجزیه، زیر پای رزمندگان مدافع حرم له شد، آنها با یکدیگر گلاویز شدند. در ماجرای کودتا در آنکارا، رژیم سعودی جزو متهمان بود و پرونده خاشقجی، دستمایه انتقام اردوغان از عربستان شده است. ۲- شاهکار گروگان گرفتن سعد حریری در ریاض و شوراندن همه لبنان علیه خود، کم از ماجرای خاشقجی نداشت و زوال تدبیر را در ریاض نشان داد. رفتار توهین آمیز عربستان با حریری و تحقیر عربستان توسط ترکیه در حالی است که آنها در پوشش «دوستان مردم سوریه» (!)، جبهه حمایت از گروههای تروریستی را تشکیل داده بودند. آیا این روند، عبرت آموز نیست؟ جبهه مقاومت با ایستادگی در شرایط سخت توانست جبهه آمریکا را که توانسته بود جنگ را تا کنار مرز ما بکشاند، گرفتار آشفتنگی و درگیری کند. آنها به سربالایی مقاومت خوردند که بر صورت هم پنجه کشیدند. پاییز ۹۶ در حالی که ۲۵ میلیون زائر شیعه و سنی و مسیحی و... با راهپیمایی اربعین، جنازه داعش که نه، هیمنه آل سعود و آمریکا و اسرائیل را زیر پا می‌گذاشتند، تدبیر عربستان به گروگانگیری و ضرب و شتم سعد حریری ختم شد. آیا این روند، اتفاق کوچکی است؟ ۳- حتما باید از دولت به عنوان خط مقدم ایستادگی مقابل فشار دشمن حمایت کرد و قوای دیگر باید بر این امر اهتمام داشته باشند؛ اما نه درباره خطاها و اشتباهات. آقای جهانگیری می‌گوید «در جلسه شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه تصریح شد تصویب FATF در مجلس از نیازهای ضروری کشور است». آیا این شورا، روابط عمومی وزارت خارجه است؟ قرار است در آن شورا تدابیر اقتصادی درون‌زا اتخاذ شود یا بی‌توجه به عبرت‌های اجرای یک‌طرفه برجام و دو سال همکاری زیانبار با FATF، دوباره درس عبرت شویم؟ نقشه غرب، چنانکه در آخرین بیانیه FATF هم دیده می‌شود، هل دادن ایران به وادی انتظار، معطلی و روزمرگی، و جا ماندن از پویای پیشرفت است. آنها می‌خواهند ما را در وضعیت «تعلیق و استثنا» نگه دارند؛ همان که در برجام برخلاف معاهده NPT انجام دادند.

جایگاه اپوزیسیونی مسئولان!

آرمان: یکی از مشکلات کشور این است که برخی مسئولان سال‌هاست در مقام اپوزیسیون سخن می‌گویند! مسئولانی که اختیارات قانونی دارند هم هر وقت می‌خواهند سخنرانی کنند در مقام انتقاد از وضع موجود هستند و دقیقا در جایگاه اپوزیسیون قرار می‌گیرند. سوال این است که چرا رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور در مقام کسی سخن می‌گویند که موضع انتقادی دارد درحالی که کلید حل مشکلات در دست آنان است. مردم به حسن روحانی با هزاران امید رأی دادند تا مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را حل کند. ولی متأسفانه آقای روحانی در سخنرانی‌های خود یا در مقام خطابه بوده یا در مقام اپوزیسیونی که از وضع موجود انتقاد می‌کند.. وقتی آقای جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهور اینگونه سخن می‌گوید که اختیارات محدودی دارد، یعنی این سیستم در جهتی که ما مسئولش هستیم، نیست. یعنی بنده در جایی که نشستم، مسئول هستم ولی برخلاف جریانی که می‌خواهم، حرکت می‌کند. با این اوصاف او یا باید استعفا دهد و یا محکم پای کار بایستد و اوضاع را درست کند. مرتب از اینکه به مردم امید دهید و از مردم امید نگیرید، سخن می‌گویند. اما چه کسی پاسخگوی مردمی است که روز به روز با گرانی مواجهند و هیچ ثباتی در نرخ‌ها نیست؟ بنابراین با آقای غلامحسین کرباسچی در این زمینه موافقم که واقعا اگر آقای جهانگیری حق جابه‌جایی منشی خود را هم ندارد، بهتر است استعفا دهد. درواقع نمی‌توان به چنین نگاهی امید بست که در جهت اصلاحات مملکت گام بردارد و یک حرکت اصلاح طلبانه انجام دهد. کسی که در مقام قدرت و جایگاه بالایی نشسته اما آنقدر مسلوب‌الاختیار است و می‌گوید حرف‌هایی دارم که قابل گفتن نیست! اصلاح طلبان با زحماتی که کشیدند سعی کردند وضع از آنچه هست، بدتر نشود و در انتخابات گذشته امید بسیاری ایجاد کردند. اما واقعیت این است که سال آینده با دو مشکل عمده مواجه خواهند شد؛ نخست اینکه مردم از وضع موجود گلایه دارند و دوم، سختگیری‌های بیشتر. از همه مهم‌تر اینکه در عمل به گونه‌ای حرکت کردیم که واقعا امید در جامعه باقی نمانده. درواقع اگر جامعه بر همین روال پیش رود و هیچ حرکت اصلاح طلبانه‌ای در عرصه اقتصاد و سیاست صورت نگیرد و تحریم‌ها هم تاثیر منفی بیشتری بگذارد و تورم بالاتر رود، اصلاح طلبان را با مشکلات بزرگی روبه‌رو خواهد کرد.



موانع رئیس جمهور با پیشنهاد افغانی حقوق کارمندان



جمال خانجی، فرقی سیاست‌های تجارت ما باه ترسیا